

فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۸، شماره پیاپی ۳۰، تابستان ۱۳۹۷

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

تحلیلی بر توزیع خدمات فرهنگی در شهرستان‌های استان قزوین

حسین حاتمی نژاد: دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مصطفی هرائینی: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پریا علیزاده: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۱۰

صص ۶۷-۷۶

دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۰

چکیده

توسعه متعادل و هماهنگ مناطق یک پیش‌نیاز بسیار مهم برای حصول پایداری و پیشرفت یکپارچه کشور به شمار می‌رود. در حقیقت توزیع مناسب و بهینه امکانات در میان مناطق، یکی از مهم‌ترین عوامل جلوگیری از نابرابری‌ها و شکاف توسعه و توزیع فضایی مناسب جمعیت در پهنه سرزمین است. بخش فرهنگ یکی از ارکان اصلی توسعه محسوب می‌شود که می‌تواند با تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها سبب ارتقای کیفیت زندگی شود. هدف از تحقیق حاضر بررسی و تحلیل میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان قزوین در امکانات فرهنگی است. روش تحقیق در این بررسی توصیفی-تحلیلی بوده و جهت تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها، از تکنیک‌های ویکور، تاپسیس و پرامیتی استفاده شده است. همچنین با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای، شهرستان‌های استان از نظر سطح توسعه‌یافتگی، در ۳ گروه همگن طبقه‌بندی شدند. در این راستا برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزارهای *Excel*، *SPSS* و برای ترسیم نقشه‌های سطوح برخورداری شهرستان‌ها از نرم‌افزار *ARC GIS10* استفاده شده است. بر اساس نتایج تحقیق شهرستان قزوین به‌عنوان برخوردارترین شهرستان از لحاظ توزیع تسهیلات فرهنگی و شهرستان البرز در گروه نیمه برخوردار قرار دارند و سایر شهرستان‌های استان در گروه محروم شناخته شده‌اند. در نهایت با استفاده از شاخص ضریب پراکندگی میزان توزیع نامتعادل شاخص‌های منتخب پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت و بر این اساس بیشترین نابرابری در رابطه با خدمات فرهنگی به ترتیب مربوط به تعداد مساجد و حسینیه‌ها و تعداد کانون‌های فکری و پرورشی کودکان و کمترین نابرابری به ترتیب مربوط به تعداد مراکز روزنامه سراسری و تعداد سینما در سطح شهر می‌باشد. با توجه به نتایج پژوهش، با فاصله گرفتن از مرکز استان به ترتیب شهرستان‌ها، بر میزان محرومیت از لحاظ امکانات فرهنگی افزوده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: خدمات فرهنگی، تعادل منطقه‌ای، تکنیک تاپسیس، تحلیل خوشه‌ای، استان قزوین.

بیان مسأله:

در آغاز قرن بیست و یکم، بزرگ‌ترین مسئله بشر، رنج میلیون‌ها انسان زحمتکش و محروم است. این فقر و محرومیت نتیجه ناسازگاری طبیعت و یا حکم سرنوشت نبوده بلکه دقیقاً به علت حاکمیت تسلط نظام بی‌عدالتی در جهان است. رنج و فقر، عقب‌ماندگی و محرومیت تا زمانی که بی‌عدالتی چه در سطح ملی و چه در سطح جهانی حاکم باشد، با شعارهای کلیشه‌ای و درعین‌حال پوچ از میان نمی‌رود. دو قطبی شدن جوامع در سطوح ملی و جهانی قطعاً از نتایج نظام بی‌عدالتی است که امروزه متداول است (Hafezniya et al, 2012: 297). از سوی دیگر، مسئله نابرابری در بسیاری از کشورها، چالش اساسی در مسیر توسعه می‌باشد، به‌ویژه برای آن دسته از کشورها که قلمرو مناطق جغرافیایی وسیعی را شامل می‌شوند. علاوه بر این، نابرابری منطقه‌ای وسیع نشان‌دهنده تهدید جدی به‌عنوان ناتوانی دولت‌ها برای مقابله با چنین نابرابری بالقوه می‌باشد که باعث ایجاد تفرقه شده و در مواردی، باعث فروپاشی دولت‌ها می‌گردد (Shankar, 2003: 14-21).

بر این اساس، امروزه ضرورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای به علت تفاوت میان روستاها، بین شهرها و روستاها و شهرها با شهرها اجتناب‌ناپذیر می‌باشد (Nakhaei et al, 2014:355) و طبق برنامه‌ریزی منطقه‌ای توسعه متعادل و هماهنگ مناطق یک پیش‌نیاز بسیار مهم برای حصول پایداری اقتصادی و پیشرفت یکپارچه کشور به شمار می‌رود (Martic and savic, 2001). کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای دل‌مشغولی مهمی در بخش‌هایی از جهان است. به عنوان مثال، در اتحادیه اروپا، ماده ۱۵۸ معاهده آمستردام بیان شده است که «جامعه باید در کاهش نابرابری بین سطوح توسعه مناطق مختلف و عقب‌ماندگی مناطق از جمله مناطق روستایی به‌گونه‌ای که یک هدف انسجام اجتماعی روشن باشد عمل کند». از این‌رو برای سیاست‌گذاران، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، بخشی از اهداف اجتماعی عمومی برای کاهش نابرابری به‌طور کلی و نابرابری بین افراد به‌طور ویژه می‌باشد (Dupont, ۲۰۰۷: ۱۹۳-۱۹۴). برنامه ریزان و کارشناسان، ضرورت توسعه متعادل و رفع نابرابری منطقه‌ای را به دلایل مختلفی مطرح می‌کنند: از جمله، تأمین عدالت اجتماعی به‌منظور برخورداری عادلانه و مناسب مناطق مختلف از امکانات، ملاحظات سیاسی به‌عنوان عاملی برای کاهش نا آرامی‌های سیاسی و ملاحظات اقتصادی و اجتماعی، که باعث جلوگیری از مهاجرت و تمرکز می‌شود در این رابطه ایجاد رفاه، رفع فقر، کاهش محرومیت، تأمین عدالت اجتماعی و عدالت منطقه‌ای در برنامه‌های توسعه کشور بخصوص برنامه چهارم توسعه مورد توجه قرار گرفته است (Pourmohammadi and Zali, 2009: ۳۱). با وجود آن که برقراری تعادل میان مناطق مختلف کشور، کاهش نابرابری و رفع محرومیت همواره مورد تأکید اسناد فرادستی کشور از جمله قانون اساسی، سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی آمایش سرزمین و برنامه‌های توسعه کشور بوده است، اما تجربه نیم‌قرن اخیر در کشور نشان داده که هنوز اقدام مؤثری برای جلوگیری از شکاف منطقه‌ای و توسعه ناموزون میان واحدهای سیاسی صورت نگرفته است. شناسایی نابرابری‌های منطقه‌ای و محرومیت فضایی، دولت‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی را قادر می‌سازد تا مناطق محروم و فقیر را شناسایی نمایند و برنامه ویژه‌ای برای کاهش شکاف بین مناطق و توجه به مناطق عقب‌مانده در نظر بگیرند (Zeberdast and Haghrosta, 2014: 114).

یکی از اقدامات ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای و کاهش نابرابری‌ها، مطالعه نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی منطقه‌ای و شناسایی جایگاه مناطق نسبت به یکدیگر به لحاظ توسعه است (Tavakoliniya and Shali, 2012: 2). بنابراین، شناخت نابرابری‌ها و عدم تعادل در چارچوب محدوده‌های جغرافیایی مختلف قابل طرح است این محدوده‌های جغرافیایی شامل سطح بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی است و لازمه گام برداشتن در این راستا، شناخت وضعیت موجود هر یک از اجزای مجموعه‌های برنامه‌ریزی اعم از کشور، استان، شهرستان و بخش و در نتیجه پی بردن به اختلافات و تفاوت‌های موجود و سیاست‌گذاری در جهت رفع و کاهش نابرابری‌ها در هر یک از اجزای این مجموعه است. در این زمینه توجه به نابرابری‌های منطقه‌ای در قالب شاخص‌ها، از جمله مهم‌ترین ابزارهای برنامه‌ریزی به شمار می‌رود که از طریق آن برنامه ریزان قادر به ارزیابی نتایج اجرای برنامه‌ها در بستر محدوده‌های جغرافیایی خواهند بود (Pourmohammadi and Zali, 2009: 33).

فرهنگ، مفهومی پیچیده و چندبعدی است، چون به جامعه انسانی مربوط می‌شود و شخصیت وجودی جامعه را تشکیل می‌دهد. بنابراین چنان‌که سایر ابعاد جامعه، برای پیشرفت و توسعه و حفظ و ممانعت آن از عقب‌ماندگی به مدیریت و رهبری

نیاز دارد، بنیان جامعه هم که فرهنگ است، نیازمند آن است (Ozgoli, 2006: 3). بدیهی است که برای اعمال مدیریت و رهبری، شناخت لازم است. یعنی بدون شناخت لازم و کافی از موضوع مدیریت در یک جامعه، امکان مدیریت نسبت به آن وجود ندارد. بنابراین، اگر فرهنگ یک جامعه هم به مدیریت و رهبری نیاز دارد، باید آن را به‌درستی شناخت. بر این اساس، با توجه به اهمیت فرهنگ و تأثیر آن بر جوامع، در این پژوهش نابرابری‌های حاصل از عدم توزیع مناسب خدمات و تسهیلات فرهنگی در منطقه مورد مطالعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. فضاهای فرهنگی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه فرهنگی محسوب می‌شوند و از سوی دیگر یکی از اهداف برنامه‌ریزی فضایی توزیع متعادل خدمات و امکانات بین سکونتگاه‌های شهری و روستایی است. برای رسیدن به این امر، نیاز به شناسایی مناطق مختلف از نظر میزان برخورداری از امکانات و خدمات گوناگون است تا نقاط محروم از مناطق توسعه‌یافته تمیز داده شود و در نهایت جهت متعادل کردن امکانات برنامه ریزان بتوانند اقدامات لازم را انجام دهند. در حقیقت تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی در مراکز استان‌ها منجر به تجمع امکانات و خدمات فرهنگی در آن‌ها گردیده است و سایر مناطق / شهرستان‌ها از امکانات و خدمات فرهنگی محروم شده‌اند که از نتایج این امر می‌توان مهاجرت به مراکز استان‌ها و افزایش جمعیت اشاره نمود. در این مقاله به‌عنوان نمونه نابرابری شهرستان‌های استان قزوین در توزیع خدمات فرهنگی با توجه به شاخص‌های ارائه‌شده مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

پیشینه نظری تحقیق:

نابرابری و جنبه‌های مختلف آن نشانه‌های مشخصی از توسعه نیافتگی به شمار می‌رود. علاوه بر این، از دیدگاه تئوریک نابرابری، فضایی است و اساساً از تصمیمات محل بنگاه‌ها و خانوارها تعیین می‌گردد (kim, 2007: 3). چنان‌که نابرابری بعدی فضایی باشد، عدالت فضایی چنین تعریف می‌گردد «عدالت فضایی نقطه تلاقی فضا و عدالت اجتماعی است که به جنبه‌های فضایی یا جغرافیایی عدالت نظر دارد. عدالت فضایی توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های بارزش در فضای جامعه را شامل می‌شود که می‌تواند هم یک خروجی و نیز یک فرایند در نظر گرفته شود؛ به‌عنوان مثال به‌صورت الگوهای جغرافیایی یا توزیعی که عادلانه یا ناعادلانه هستند یا فرآیندهایی که این خروجی‌ها را تولید می‌کنند» (Soja, 2008: 4). با این مقدمه می‌توان عدالت فضایی را به این‌گونه تعریف نمود: «از برابری نسبی شاخص‌های جامع توسعه (اقتصادی، کالبدی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، اجتماعی و امنیتی) در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی (خرد و کلان) یک کشور به سبب شاخص‌های متناظر توسعه با آن در سطح ملی» (Hafezniya et al, 2014: 35). در نتیجه، توزیع مناسب و بهینه امکانات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی در میان مناطق مختلف یکی از مهم‌ترین عوامل جلوگیری از نابرابری‌ها و شکاف توسعه و توزیع فضایی مناسب جمعیت در پهنه سرزمین است (Zakeriyan et al, 2010: 43) به‌گونه‌ای که، عدم تعادل بین مناطق در روند توسعه باعث شکاف و افزایش نابرابری منطقه‌ای، می‌گردد. از سوی دیگر، بررسی نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، رفاهی، منطقه‌ای یکی از اقدامات ضروری و اساسی برای برنامه‌ریزی و اصلاحات به‌منظور نیل به توسعه اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی و اصلاح آرایش فضایی پیکربندی اقتصاد ملی و منطقه‌ای است (Nakhaei et al, 2014: 353). از این‌رو به منظور بررسی میزان نابرابری‌های بین مناطق، معیارهای توسعه آن‌ها با یکدیگر مقایسه می‌شوند (Zeberdast and Haghrosta, 2014: 115). اما از سال ۱۹۶۰ به بعد شاخص‌های غیراقتصادی مانند شاخص‌های فرهنگی، توسعه بهداشت و درمان اجتماعی نیز برای سنجش نابرابری‌های منطقه‌ای بر اساس اهمیت بحث نابرابری و کاهش آن ارائه‌شده است.

بر اساس تعریف ادوارد بورنت فرهنگ عبارت است از «کلیتی پیچیده شامل دانش، اعتقاد، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و سایر توانمندی‌ها و خصلت‌های مکتسبه توسط انسان به‌عنوان عضوی از جامعه (Arabshahi Karizi, 2013: 2-3). به عقیده نیتو فرهنگ شامل: ارزش‌ها، سنت‌ها، روابط اجتماعی-سیاسی و جهان بینی ایجادشده، به اشتراک گذاشته و دگرگون‌شده به‌وسیله عده‌ای از مردم است که به‌وسیله تاریخ، موقعیت جغرافیایی، زبان، طبقه اجتماعی، مذهب و یا سایر هویت‌های مشترک باهم ارتباط دارند (Nieto, 2004: 146). از آنجا که فرهنگ یکی از مهم‌ترین عوامل در توسعه هر کشور است و به عبارتی توسعه فرهنگی اساس هر توسعه می‌باشد و هم‌چنین یکی از نگرانی‌های اصلی دولت برای رسیدن به توسعه همه‌جانبه، توسعه فرهنگی می‌باشد. فرهنگ در طول زمان طولانی در سراسر جهان مورد مطالعه قرار گرفته است، ولی در

دهه های اخیر، این مطالعه با نگرش های نوینی انجام گرفته است. فرهنگ و توسعه برای اولین بار در یونسکو ارائه شد. ایده توسعه فرهنگی در سال ۱۹۵۰ مطرح گردید، و دهه ۱۹۵۰-۱۹۶۰ به عنوان دهه اول توسعه مشهور شد و سپس در دهه ۶۰-۱۹۷۰، مفاهیم جدید و کلماتی مانند توسعه فرهنگی و سیاست فرهنگی در حوزه فرهنگ در کشورهای اروپایی رایج گردید. در سال ۱۹۷۰، اولین کنفرانس با حضور نمایندگان ۸۵ کشور در حوزه فرهنگ در ونیز برگزار شد. از آن زمان فرهنگ، توسعه فرهنگی، برنامه ریزی فرهنگی، سیاست فرهنگی، اقتصاد فرهنگی و مطالعات فرهنگی در یونسکو آغاز گردید و فرهنگ مانند آموزش به عنوان بخش جدایی ناپذیر از توسعه اقتصادی و اجتماعی و نهادهای فرهنگی در نظر گرفته شد و در شکل گیری این سازمان نقش مهمی داشته است. در کنفرانس جهانی *Mexico City* در سال ۱۹۸۲، مفاهیم و تعاریفی از فرهنگ و توسعه، و جنبه های فرهنگی از توسعه، توسعه فرهنگی مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت، و فرهنگ به عنوان عنصر لازم از توسعه تشخیص داده شد. (Nakhaei et al, 2014: 355). در مفاهیم جدید توسعه، راه برای سهم انسان و جنبه های زندگی او در نظر گرفته شد. در نتیجه محتوای اصلی آن ارائه نیازهای اساسی و بهبود شرایط زندگی مردم و جامعه است. از آنجا که مفهوم توسعه گسترده است فرهنگ به عنوان توسعه دارای مفاهیم و تعاریف مختلف است (Nakhaei et al, 2014: 357) بر این اساس، فرهنگ عبارت است از «رنگ آمیزی واقعیات عینی و توجیه فعالیت ها و شئون زندگی (هر جامعه) به همراه آرمان ها و عقاید و رسوم و هدف گیری ها، که اخلاق و هنر به معنای عمومی، و کمیت و کیفیت آزادی و مذهب و برداشت خاص از جهان بینی و علم و اخلاق و حتی قوانین حقوقی را کیفیت خاصی می بخشد (Ozgoli, 2006: 4) فرهنگ مانند علم، دانش، ادبیات، آموزش و پرورش، آموزش، کتاب، هنر و ادبیات علمی یک ملت در فرهنگ لغت معنی شده است و در بیانیه ای در مکزیک در سال ۱۹۸۲، عناصر فرهنگ از جمله باورها، حقوق اساسی بشر، سیستم ارزش، سبک زندگی، هنر و ادبیات نشان داده شده است.

کارشناسان یونسکو، توسعه فرهنگی را به عنوان ترویج تلاش های توسعه فرهنگی مربوط به ایجاد و تمرکز هنر، تشویق تولید صنایع دستی، آموزش هنر، مشارکت عمومی، توسعه نقش کتاب، خواندن، سوادآموزی، نشریات علمی، مطبوعات، رعایت کپی رایت، تولید داخلی، میراث فرهنگی، تعاملات میان فرهنگی در حال توسعه، فهم فرهنگ، تبادل اطلاعات و آموزش عمومی و انتشار شاهکارهای بزرگ تعریف کرده اند. نظریه های مختلف به سمت نگرش های متنوع فرهنگ توسعه داده شده اند. پیروان نظریه مدرنیزاسیون نقش مهم فرهنگ را در ایجاد ارزش های جدید تأیید می کند و معتقدند که جامعه توسعه پیدا نمی کند مگر اینکه اکثریت جامعه ارزش های جدید را بپذیرند، پیروان نظریه سرمایه معتقدند که توسعه ملی در سرمایه انسانی نهفته است (Nakhaei et al, 2014: 357). به عبارتی دیگر، توسعه فرهنگی فرآیندی کیفی و ارزشی است که برای ارزیابی آن از نشانگرهای کمی در برنامه ریزی فرهنگی برای دستیابی به اهداف توسعه در قالب کالاها و خدمات استفاده می شود و در این بین، آنچه مهم است، برنامه ریزی در مورد ماهیت و محتوای فعالیت ها و خدمات فرهنگی است که به طور عموم از طریق ابزارهای فرهنگی حاصل می شود. بدیهی است میان بعد کمی و کیفی فرهنگ ارتباط دو سویه برقرار است؛ بعد کمی توسعه فرهنگی شامل افزایش شمارگان کتاب، تأسیس کتابخانه ها، افزایش تیتراژ روزنامه ها و نشریات، تأسیس موزه ها و فضاهای فرهنگی هنری، سینما، تئاتر، تقویت رسانه های محلی می باشد، که با به کارگیری و استفاده منطقی از این خدمات، کالاها و ابزارهای فرهنگی امکان ارتقاء سطح کیفی فرهنگ امکان پذیر است (Javadi, 2005: 11-12).

توکلی نیا و شالی (۱۳۹۱)، در پژوهشی تحت عنوان «نابرابری های منطقه ای در ایران»، برای ارزیابی توسعه منطقه ای و نمایش نابرابری ها در سطح سرزمین ۶۰ شاخص فرهنگی- اجتماعی، صنعتی، اقتصادی- جمعیتی، کالبدی- زیربنایی و بهداشتی- درمانی را مورد تحلیل قرار داده اند. از این روی با بهره گیری از روش تحلیل عاملی در هر یک از بخش ها، عوامل و شاخص های تلفیقی استخراج گردید و به عنوان ورودی در روش تاکسونومی مورد استفاده قرار گرفت. در نهایت از روش تحلیل خوشه ای به منظور گروه بندی استان ها استفاده شد. نتایج حاصله نشان می دهد که در سال ۱۳۸۵ از مجموع ۳۰ استان کشور، یک استان توسعه یافته، ۴ استان نسبتاً توسعه یافته، ۷ استان توسعه میانی، ۱۹ استان توسعه نیافته و یک استان محروم بوده است. بنابراین، الگوی حاکم بر سازمان فضایی کشور، از الگوی مرکز- پیرامون در توسعه منطقه ای پیروی کرده است، به

طوری که کلیه استان‌های توسعه‌نیافته و محروم در نواحی حاشیه‌ای، مرزی و مناطق کوهستانی واقع شده‌اند (Tavakoliniya and Shali, 2012)

ضرابی و همکاران (۱۳۹۱)، پژوهشی تحت عنوان «تعیین میزان برخورداری مناطق شهری اصفهان از شاخص‌های فرهنگی» با روش توصیفی- کمی و تحلیلی انجام داده‌اند. در این پژوهش ۳۵ شاخص با روش تحلیل عاملی خلاصه‌شده و به ۵ عامل تقلیل یافته و به صورت ترکیبی در عوامل معنی‌دار ارائه گردیده‌اند. سپس میزان تأثیر هر یک از عوامل در توسعه خدمات فرهنگی مناطق مشخص و با بهره‌گیری از مدل TOPSIS به عنوان یک روش تصمیم‌گیری چندشاخصه و استفاده از روش وزن دهی آنتروپی، مناطق در ۵ گروه سطح‌بندی و جایگاه هر یک از مناطق رگرسیونی بین عوامل تأثیرگذار و میزان تاپسیس، عامل‌هایی که در افزایش سطوح توسعه خدمات فرهنگی مناطق مؤثرند مشخص گردید. یافته‌های پژوهش مبین آن است که مناطق مختلف شهر اصفهان به لحاظ برخورداری از نظر شاخص‌های فرهنگی یکسان و برابر نیستند و تفاوت آشکار و محسوسی در میزان برخورداری از امکانات و فضاهای فرهنگی در بین مناطق وجود دارد (Zarabi et al, 2012). جو و همکاران (۲۰۰۱)، مناطق مختلف بلژیک را از نظر ۳۳ شاخص مختلف در بخش‌های اقتصادی، آموزشی، فرهنگی و غیره با بهره‌گیری از روش‌های آماری چند متغیره شامل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای طبقه‌بندی نموده‌اند (Joae et al, 2001).

لسمن^۳ (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان "نابرابری منطقه‌ای و عدم تمرکز (تحلیل تجربی)"، به تحلیل تأثیر تمرکززدایی سیاسی و مالی بر نابرابری‌های منطقه‌ای می‌پردازد. بر این اساس، یک مجموعه‌ای از داده‌های منحصر به فرد از نابرابری‌های منطقه‌ای ۵۶ کشور در مراحل مختلف توسعه پوشش داده می‌شود. علاوه بر این، جریان اثرات به سطح توسعه اقتصادی بستگی دارد. در حالی که، کشورهای ثروتمند از عدم تمرکز با توجه به توزیع درآمد برابر بیشتر بهره‌مند می‌شوند، عدم تمرکز ممکن است به نابرابری‌های منطقه‌ای بالا در اقتصاد در حال توسعه و نوظهور منجر شود. نتایج کاملاً مشابه برای اقدامات تمرکز زدایی مالی و سیاسی یادآوری می‌کند که هر دو مورد استقلال حقوقی و اقتدار مالی در این زمینه مهم می‌باشند (Lessmann, 2011).

روش تحقیق:

پژوهش حاضر به لحاظ روش از نوع توصیفی - تحلیلی، شیوه جمع‌آوری اطلاعات اسنادی و میدانی و از نوع تحقیقات کمی است. جهت سنجش وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان قزوین به لحاظ برخورداری از شاخص‌های فرهنگی، از ۹ شاخص استفاده گردیده است. روش استفاده شده در این تحقیق، روش تصمیم‌گیری چند شاخصه (MADM) است که خود تکنیک‌های متفاوتی دارد و در این پژوهش از تکنیک‌های VIKOR- PROMETHEE-TOPSIS استفاده شده است. همچنین جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و ترسیم نمودارها و نقشه‌ها از نرم‌افزارهای SPSS22- EXCEL-ARC GIS10.2 استفاده شده است. به منظور وزن دهی معیارها از تکنیک دلفی استفاده گردیده است. بدین منظور تعداد ۳۰ پرسشنامه برای متخصصان جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و آمایش سرزمین ارسال گردید. سپس با توجه به پرسشنامه‌های تکمیلی؛ وزن هر کدام از شاخص‌های برگرفته شده از میانگین نظرات متخصصین؛ تعیین گردید. به منظور سنجش توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان قزوین از لحاظ شاخص‌های فرهنگی، از آخرین اطلاعات منتشر شده توسط مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان، اطلاعات مندرج در سایت استانداری و اداره ارشاد استان قزوین استفاده شده است و ۹ شاخص زیر جهت سنجش توسعه‌یافتگی فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت:

X1: تعداد کتابخانه‌های عمومی در سطح شهرستان به ازای هر ده هزار نفر. X2: تعداد مساجد و حسینیه‌ها به ازای هر ده هزار نفر. X3: تعداد سینما در سطح شهر به ازای هر ده هزار نفر. X4: تعداد کانون‌های فکری و پرورشی کودکان به ازای هر ده هزار نفر. X5: تعداد مطبوعات محلی در سطح شهرستان به ازای هر ده هزار نفر. X6: تعداد مراکز روزنامه سراسری به ازای هر ده هزار نفر. X7: تعداد مؤسسات انتشاراتی در سطح شهرستان. X8: تعداد دسترسی روستاییان به روزنامه و مجلات در سطح نقاط

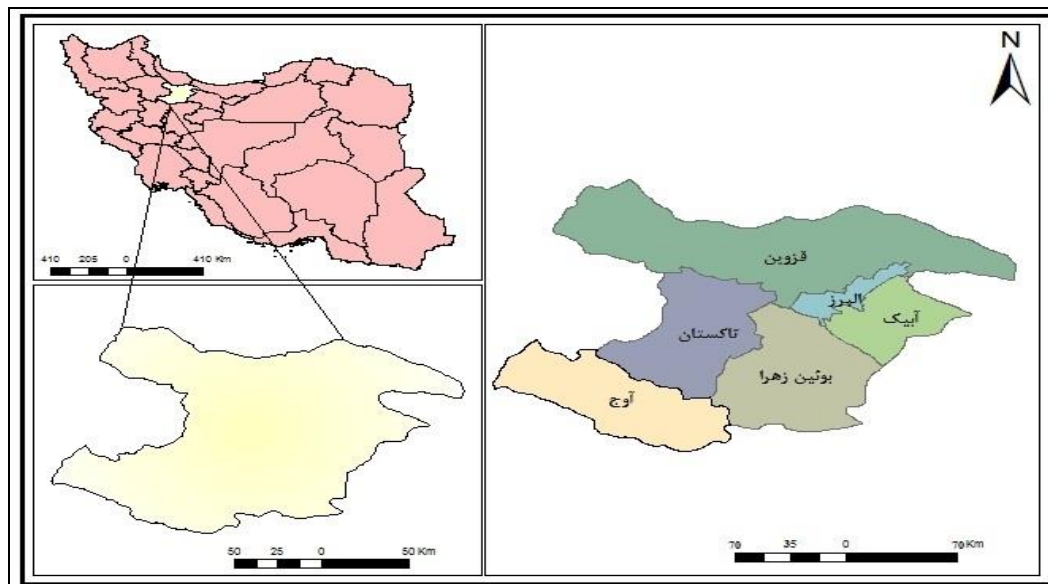
². Joae

³. Lessmann

روستایی شهرستان به ازای هر ده هزار نفر. $X9$: تعداد نقاط روستایی مجهز به اینترنت پرسرعت در سطح نقاط روستایی شهرستان.

محدوده مورد مطالعه:

استان قزوین با مساحتی معادل ۱۵۶۲۳ کیلومترمربع در حوزه‌ی مرکزی ایران بین ۴۸ درجه و ۴۴ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۵۱ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا قرار دارد. این استان از سمت شمال به استان‌های گیلان و مازندران، از غرب به استان‌های زنجان و همدان، از سمت جنوب به استان مرکزی و از سمت شرق به استان تهران محدود می‌باشد. این استان در دامنه جنوبی رشته‌کوه‌های البرز واقع شده که به دلیل داشتن ارتفاعات متعدد و بارندگی‌های متوسط از نقاط معتدل کشور به شمار می‌آید. بر اساس آخرین وضعیت تقسیمات کشوری تا پایان سال ۱۳۹۰ استان قزوین دارای ۶ شهرستان (قزوین، تاکستان، بوئین‌زهرا، آبیک، البرز و آوج) ۲۵ شهر (قزوین، اقبالیه، محمدیه، الوند، محمودآباد نمونه، تاکستان، اسفرورین، ضیاءآباد، خرم‌دشت، آوج، شال، دانشفهان، بوئین‌زهرا، رازمیان، معلم کلایه، آبگرم، آبیک، کوهین، بیدستان، ارداق، خاکعلی، نرجه، سگزآباد و سیردان) و ۱۹ بخش، ۴۶ دهستان، ۱۰۵۰ آبادی هست که ۸۴۲ آبادی آن دارای سکنه و ۲۰۸ آبادی خالی از سکنه است (استانداری قزوین، ۱۳۹۵).



شکل ۱- نقشه موقعیت جغرافیایی استان قزوین و شهرستان‌های آن در استان (منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

جدول ۱- جمعیت خانوارها در نقاط شهری و روستایی و درصد شهرنشینی برحسب شهرستان در استان- ۱۳۹۰

شهرستان	جمعیت	ساکن در نقاط شهری	ساکن در نقاط روستایی	درصد شهرنشین
کل استان	۱۲۰۱۵۶۵	۸۷۸۳۴۴	۳۲۶۲۲۱	۷۳٫۱
قزوین	۵۶۶۷۷۳	۴۶۴۳۲۳	۱۰۲۴۵۰	۸۱٫۹۲
تاکستان	۱۷۲۹۴۹	۱۱۱۲۸۸	۶۱۶۶۱	۶۴٫۳۴
البرز	۲۰۳۲۷۶	۱۷۸۵۷۸	۲۴۶۹۸	۸۷٫۸۵
بوئین‌زهرا	۱۲۱۱۴۳	۶۳۹۱۷	۵۷۲۲۶	۵۲٫۷۶
آبیک	۹۳۸۴۴	۵۹۰۳۱	۳۴۸۱۳	۶۲٫۹۰
آوج	۴۳۵۸۰	۲۶۶۱۱	۱۶۹۶۹	۶۱٫۰۶

منبع: سالنامه آماری استان قزوین، ۱۳۹۰ و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۵.

یافته‌های تحقیق:

سطح‌بندی شهرستان‌های استان بر اساس تکنیک تاپسیس:

در پژوهش حاضر رتبه‌بندی شهرستان‌های استان قزوین از لحاظ شاخص‌های فرهنگی بر اساس ۹ شاخص با استفاده از تکنیک TOPSIS انجام شد. از آنجا که هر ۹ شاخص بررسی شده در این مطالعه از نوع شاخص‌های مثبت بودند، بزرگ‌ترین مقدار هر شاخص بین ۶ شهرستان مطالعه شده به‌عنوان برترین راه‌حل و کوچک‌ترین مقدار آن به‌عنوان کم‌اولویت‌ترین راه‌حل انتخاب شد. بررسی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان قزوین در شاخص‌های فرهنگی مبین آن است که شهرستان قزوین برخوردارترین شهرستان و پس‌از آن شهرستان البرز قرار دارد. جدول ۲ وضعیت شاخص‌های فرهنگی را در استان قزوین از منظر راه‌حل‌های ایده‌ال و غیر ایده‌ال نشان می‌دهد.

جدول ۲- رتبه‌بندی گزینه بر اساس میزان نزدیکی به راه‌حل ایده‌ال مثبت

شهرستان	S_i^-	S_i^+	C_i	رتبه برخورداری
قزوین	۰,۱۴۶	۰,۱۴۶	۰,۵۰۱	۱
تاکستان	۰,۱۸۹	۰,۰۹۰	۰,۶۷۶	۵
البرز	۰,۱۷۳	۰,۱۲۲	۰,۵۸۷	۲
بویین‌زهرا	۰,۱۷۷	۰,۰۸۴	۰,۶۷۹	۶
آبیک	۰,۱۵۹	۰,۱۰۷	۰,۵۹۹	۳
اوج	۰,۱۸۱	۰,۱۱۳	۰,۶۱۵	۴

منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۵.

سطح‌بندی شهرستان‌های استان بر اساس تکنیک ویکور:

نتایج یافته‌های تکنیک ویکور نشان می‌دهد که شهرستان‌های استان قزوین به لحاظ سطح توسعه‌یافتگی در شاخص‌های فرهنگی دارای عدم تعادل می‌باشند، به‌طوری‌که شهرستان قزوین با امتیاز نهایی ۰,۲۴۷۹ (بسیار برخوردار) و شهرستان اوج با امتیاز نهایی ۰,۵۰۸۴۰ (بسیار محروم) در سطوح اول و آخر قرار گرفته‌اند. جدول ۳ وضعیت شاخص‌های فرهنگی را در استان قزوین بر اساس مقادیر Q, R, S نشان می‌دهد.

جدول ۳- رتبه‌بندی شهرستان‌های استان قزوین بر اساس مقادیر Q, R, S

شهرستان‌ها	S_i	رتبه	R_i	رتبه	Q_i	رتبه
قزوین	-۱,۵۳۴۳	۱	-۰,۰۱۴۱۲	۱	۰,۰۲۴۷۹	۱
تاکستان	-۱,۹۸۵۶	۵	-۰,۰۹۲۹۱	۳	۰,۰۹۸۵۳	۴
البرز	-۱,۹۰۸۴	۲	-۰,۰۳۹۳۸	۲	۰,۰۵۶۴۶	۲
بویین‌زهرا	-۱,۹۶۸۳	۶	-۰,۰۹۵۷۳	۵	۰,۰۶۹۰۹	۳
آبیک	-۱,۹۴۲۱	۳	-۰,۰۹۳۳۴	۴	۰,۱۳۴۲۴	۵
اوج	-۱,۹۴۴۳	۴	-۰,۰۹۸۰۲	۶	۰,۰۵۰۸۴۰	۶

منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۵.

سطح‌بندی شهرستان‌های استان بر اساس تکنیک پرامیتی:

همچنین بر اساس تکنیک پرامیتی در استان قزوین، شهرستان قزوین دارای بیشترین مقادیر مثبت و کمترین مقادیر منفی می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر شهرستان قزوین دارای بیشترین جریان مثبت و کمترین مقدار منفی می‌باشد. بر اساس این تحلیل (البرز، آبیک، بویین‌زهرا، اوج و تاکستان)، در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. داده‌های جدول شماره ۴ رتبه‌بندی شهرستان‌های استان قزوین بر اساس سه تحلیل خروجی (رتبه‌بندی مثبت، رتبه‌بندی منفی و خروجی خالص) را نشان می‌دهد.

جدول ۴- رتبه بندی بر اساس جریان های خروجی از مدل پرامیتی

رتبه نهایی	رتبه بندی مثبت	رتبه بندی منفی	رتبه بندی خالص	شهرستان
۱	۰,۶۴۴۴	۰,۳۵۵۶	۰,۲۸۸۹	قزوین
۶	۰,۳۱۱۱	۰,۵۷۷۸	-۰,۲۶۶۷	تاکستان
۲	۰,۵۵۵۶	۰,۳۵۵۶	۰,۲۰۰۰	البرز
۴	۰,۳۵۵۶	۰,۵۳۳۳	-۰,۱۷۷۸	بویین زهرا
۳	۰,۵۵۵۶	۰,۳۵۴۹	۰,۲۰۰۰	آبیک
۵	۰,۳۱۱۱	۰,۵۵۵۶	-۰,۲۴۴۴	آوج

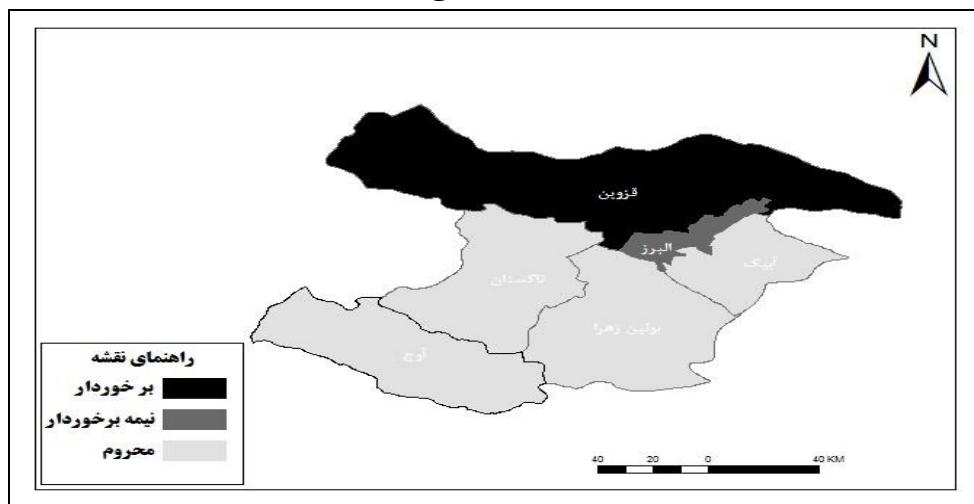
منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۵.

تعیین شهرستان های استان قزوین از نظر توسعه یافتگی شاخص های فرهنگی:

به منظور طبقه بندی شهرستان های استان بر اساس شاخص های مورد مطالعه، از روش تحلیل خوشه ای استفاده شد. شهرستان های استان بر مبنای شاخص های انتخابی و امتیاز به دست آمده از روش های فوق، در سه گروه همگن طبقه بندی شده اند:

گروه اول: تنها شهرستان قزوین را در برمی گیرد که می توان آن را در امکانات فرهنگی برخوردار دانست. این خوشه بندی منعکس کننده الگوی مرکز - پیرامون حاکم بر استان قزوین می باشد به گونه ای که یک شهرستان، بیشترین امکانات فرهنگی را از آن خود نموده است.

گروه دوم: شامل شهرستان البرز می باشد که می توان به عنوان شهرستان نیمه برخوردار در امکانات فرهنگی دانست. گروه سوم: شامل شهرستان های بویین زهرا، تاکستان، آبیک و آوج می شود که از نظر توسعه یافتگی، محروم می باشند و بر این مبنای می توان گفت اکثریت شهرستان های استان قزوین به لحاظ امکانات فرهنگی محروم می باشند. شکل شماره ۲ تقسیم بندی شهرستان های استان قزوین بر حسب تکنیک تحلیل خوشه ای نشان می دهد.



شکل ۲- سطح بندی شهرستان های استان قزوین بر حسب تکنیک تحلیل خوشه ای

توزیع امکانات فرهنگی در شهرستان قزوین با استفاده از ضریب پراکندگی:

ضریب پراکندگی که در برخی از منابع به ضریب ویلیامسون نیز شهرت دارد و شاخصی است که مشخص می کند تا چه حدی یک شاخص در بین مناطق یا نواحی به صورت نامتعادل توزیع شده است (Tavakoliniya et al., 2014: 10). هر اندازه حاصل ضریب پراکندگی بالا باشد نشان از عدم توزیع متعادل شاخص مورد نظر در منطقه مورد مطالعه است. نتایج به دست آمده از این قرار می باشد که بیشترین نابرابری به ترتیب در شاخص های ۲ و ۷ می باشد و کمترین نابرابری به ترتیب در شاخص ۶ و ۳ قابل مشاهده می باشد. (جدول شماره ۵).

جدول ۵- ضریب پراکندگی شاخص‌های فرهنگی در شهرستان‌های استان قزوین

شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب پراکندگی
X1	۵	۳,۹۶	۲۹۶,۶۴
X2	۲۲۷,۱۶	۱۷۰,۸۲	۱۷۰۸۲,۵۵
X3	۰,۳۳	۰,۸۱	۸۱,۶۴
X4	۲,۳۳	۱,۰۳	۱۰۳,۲۷
X5	۳,۱۶	۲,۱۳	۲۱۳,۶۹
X6	۲۲	۰	۰
X7	۶,۸۳	۱۴,۷۹	۱۴۷۹,۷۵
X8	۳	۲,۰۹	۲۰۹,۷۶
X9	۳,۱۶	۲,۵۶	۲۵۶,۲۵

منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۵.

نتیجه‌گیری:

نابرابری و جنبه‌های مختلف آن نشانه‌های مشخصی از توسعه‌نیافتگی به شمار می‌رود. به‌گونه‌ای که توزیع مناسب و بهینه امکانات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی در میان مناطق و نواحی، یکی از مهم‌ترین عوامل جلوگیری از نابرابری‌ها و شکاف توسعه و توزیع فضایی مناسب جمعیت در پهنه سرزمین است. در این پژوهش شهرستان‌های استان قزوین از نظر درجه توسعه‌یافتگی در امکانات فرهنگی مورد ارزیابی قرار گرفته و مقایسه شدند. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که شهرستان قزوین از نظر توزیع امکانات فرهنگی دارای شرایط مناسب‌تری نسبت به سایر شهرستان‌ها می‌باشد و اکثریت شهرستان‌ها از نظر توزیع امکانات فرهنگی محروم می‌باشند. در پژوهش از سه تکنیک تاپسیس، ویکور و پرامیتی استفاده شد و در پایان با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای به گروه‌بندی شهرستان‌ها اقدام شد که طبق نتایج این تکنیک، شهرستان قزوین در گروه برخوردار، شهرستان البرز در گروه نیمه برخوردار و شهرستان‌های بویین‌زهرا، تاکستان، آبیک و آوج در گروه محروم قرار گرفتند. بنابراین، اکثریت شهرستان‌های استان قزوین در ارتباط با امکانات فرهنگی با توجه به شاخص‌های آن در طبقه محروم قرار گرفتند. این امر لزوم توجه به سیاست‌هایی برای از بین بردن محرومیت‌ها و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای را بیش از پیش نمایان می‌سازد. همچنین با استفاده از شاخص ضریب پراکندگی میزان توزیع نامتعادل شاخص‌های منتخب پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت و بر این اساس بیشترین نابرابری به ترتیب در (تعداد مساجد و حسینیه‌ها و تعداد کانون‌های فکری و پرورشی کودکان) و کمترین نابرابری به ترتیب (تعداد مراکز روزنامه سراسری و تعداد سینما در سطح شهر) می‌باشد. با توجه به نتایج، با فاصله گرفتن از مرکز استان، به ترتیب شهرستان‌ها از لحاظ توزیع امکانات فرهنگی محرومیت بیشتری را نشان می‌دهند.

References:

1. Arabshahi Karizi, Ahmad (2016), *survay and ranking of sub-province hormozghan base on culture indexes with use multiptle attribute decision making*, *Journal of Hormozgan Cultural Research Review*, Vol 5, Issue 10, PP 1-17. [In Persian].
2. Azar, Adel, Rajabzade, Ali (2014), *Applied Decision Making MADM Approach*, *negahe danesh publication*. Tehran. [In Persian].
3. Badri, seyedali, Faraji Sabokbar, Hasanali, Javdan, Mojtaba, Sharafi, Hojatolah (2012), *ranking sustainability level rural settlements based on the vikor model*, *Case study: Village in Fasa sub-province-Fars Province*, *Geography and Development Journal*, Vol 10, Issue 26, PP 1-19.
4. Bazi, Khodarahm (2008), *deliberative on culture and its impact on development*, Issue 8, PP 45-38.
5. Büyükközkcan, G., Ruan, D (2008). *Evaluation of software development projects using a fuzzy multicriteria decision approach*, *Mathematics and Computers in Simulation* 77 464-475.
6. Dai, Lixin and Wang, Jianfang (2011). *Evaluation of the Profitability of Power Listed*
7. Dupont V. (2007). "Do geographical agglomeration, growth and equity conflict?" *Regional Science*, Vol. 86, No. 2, June 2007.
8. Hafezniya, Mohammadreza, Ahmadipour, Zahra, Gaderi Hajat, Mostafa (2012), *Politics and space*, *Institute Amirkabir, publication papoli*. [In Persian].

9. Hafezniya, Mohammadreza, Gaderi Hajat, Mostafa, Ahmadipour, Zahra, Roknodin etfekhari, Abdolreza, Gohari, Mohammad (2014), designing evaluation pattern of spacial justice (Case study: Iran), *The Journal of Spatial Planning*, Vol 19, Issue 1, PP 34-25. [In Persian].
10. Hagigi, Mohammadali (2009), survey role of culture in sustainability development, Case study: Iranian culture, Issue 37-38, PP 76-86. [In Persian].
11. Javadi, Nasrin (2005), Provinces cultural development, *Bottlenecks and solutions*, Iran publication, Issue 41. [In Persian].
12. Joae, Oliveria Soares; Manuela Lourenco Marques; Carloes Manuel & Ferreira Monterio (2001), *A Multivariate Methodology to Uncover Regional Disparities: A Contribution to Improve European Union and Governmental Decisions*.
13. Kim, Sukko (2007), *spatial inequality and economic development: theories, facts, and policies*, commission on growth and development, working parer no.16.
14. Lessmann, Christain (2011), *regional inequality and decentralization-an empirical analysis*, *factuly of business and economics*, 1-42.
15. Lihong, M. et al (2008). *Improved VIKOR Algorithm Based on AHP and Shannon Entropy in the Selection of Thermal Power Enterprise's Coal Suppliers* International Conference on Information Management, Innovation Management and Industrial Engineering.
16. Martic, M. and Savic, G., (2001) *An application of DEA for comparative analysis and ranking of regions in Serbia with regards to social- economic development*, *European Journal of Operational Research*, No. 132, pp. 343-356
17. Nakhaei, Mahdieh, Hoseinzadeh Dalir, Karim, Karimi, Hosein ali, Doosti, Abdullah, Abbasian, Mehrdad (2014), *an analysis regional inequalities in west azarbaijan with emphasis on socio-cultural factors*, *European Online Journal of Natural and Social Sciences* 2014; Vol.3, No.4 *Special Issue on Architecture, Urbanism, and Civil Engineering*, ISSN 1805-3602.
18. Nieto, S (2004). *Affirming Diversity: The Sociopolitical Context of Multicultural Education* Boston: Allyn & Bacon
19. Opricovic, S (2009). *A Compromise Solution in Water Resources Planning*, *Water Resources Management*, Volume 23, Number 8.
20. Opricovic, S, Tzeng G.H (2004). *Decision Aiding Compromise solution by MCDM methods: A comparative analysis of VIKOR and TOPSIS*, *European Journal of Operational Research* 156.
21. Ozgoli, Mohammad (2006), *an introduction to recognition of knowledge and skills of country cultural managers*, PP 1-29. [In Persian].
22. Pourmohammadi, Mohammadreza, Zali, Nader (2009), *Analysis of Regional Inequalities and Development Prospects, (Case study: East Azarbaijan)*, *Journal of Geography and Planning*, Vol 15, Issue 32, PP 29-64. [In Persian].
23. Shankar R., Anwar S. (2003) "Bridging the economic divide within countries: A scorecard on the performance of regional policies in reducing regional income disparities"; *World Development*, Vol.31, No.8, PP: 1421-1441.
24. Sheykh beygloo, Rana, Tagvaei, Masoud, Varesi, Hamidreza (2012), *The Spatial Analysis of Deprivation and Inequalities of Development in Sub-provinces of Iran*. *Social Welfare*, Vol 12, Issue 46, PP 189-214. [In Persian].
25. Soja, E.W. (2010). *Seeking for Spatial Justice*, University of Minnesota, USA
26. Tavakoliniya, Jamile, Kanoni, Reza, Khavariyan garmsir, Amirreza, Pasban eisa lou, Vahid (2014), *analysis of Regional Inequalities in Health Department of Ardebil province*, *Journal of Zonal Planing*, Vol 5 , Issue 18, PP 1-15. [In Persian].
27. Tavakoliniya, Jamile, Shali, Mohammad (2012), *Regional Inequalities in Iran*, *Amayesh Journal*, Issue 18, PP 1-18. [In Persian].
28. Zarabi, Asghar, Eizadi, Malihe, Abolhasani, Farahnaz (2012), *the determination measure enjoyment esfahan urban areas from culture index*, *Geographical Research Journal*, Vol 27, Issue 3, PP 18317-18297. [In Persian].
29. Zeberdast, Esmaeil, Haghrosta, Somaye (2014), *the comparative analysis of regional inequalities between adjoining provinces (Case study: Hamedan and markazi)*, Issue 15, PP 114-136. [In Persian].